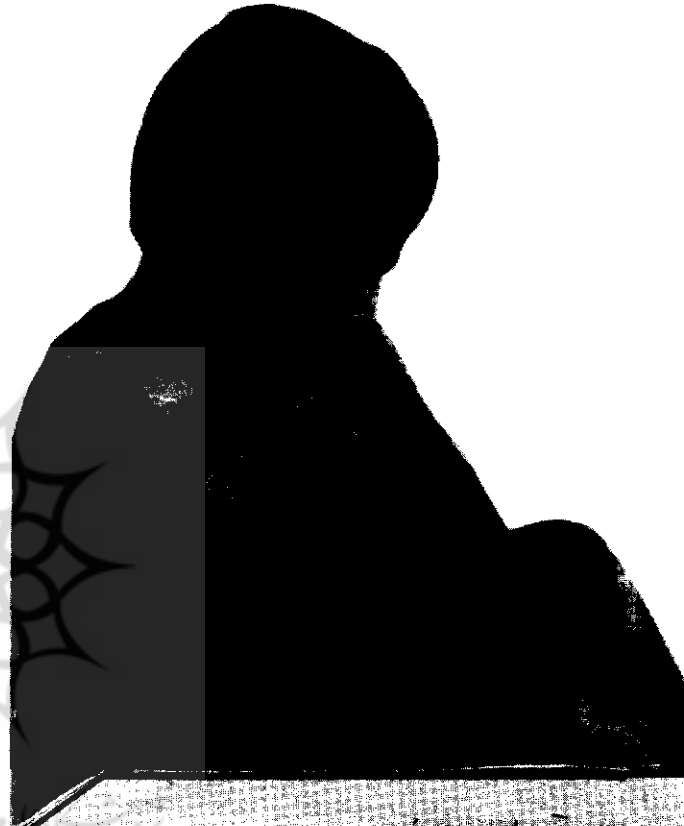




مقدمه

فرزندپروری یکی از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های انسانی است که بسیاری از انسان‌ها، آمادگی انجام این امر خطیر را ندارند. مشکلات اقتصادی، فقر فرهنگی، وجود بیماری‌های روانی و اعتیاد والدین، طلاق، مرگ یک یا هر دو والد و بسیاری عوامل دیگر، در کنار هم باعث می‌شوند کودکان بدون سرپرست مناسب باشند. تنها بخش کوچکی از این کودکان که مشکلات حاد و طولانی مدت داشته، برای آن‌ها پی‌گیری‌های قانونی صورت گیرد، به سازمان بهزیستی تحویل و در مراکز شبانه‌روزی نگهداری می‌شوند. بنا به گزارش سازمان بهزیستی (سپهر، ۱۳۷۹) حدود ۱۱۰۰۰ نفر تحت مراقبت مراکز شبانه‌روزی کودکان با نیازهای خاص و یک هزار نفر، اعم از کودکان معلول و غیرمعلول بی‌سرپرست، در حوزه سازمان بهزیستی به سر می‌برند. دو هزار کودک در خانواده خود و بستگان به صورت داوطلبانه نگهداری می‌شوند. هم‌چنین ۱۴۰۰ نفر از کودکان در مراکز غیردولتی (NGO) و بامدیریت هیأت امنای نگهداری می‌شوند. با توجه به مشکلاتی که این کودکان و سایر کودکان بدسرپرست و کودکان



کودکان بی سرپرست

و نحوه عدالت

علیرضا ملازاده

می‌آموزند و این الگوها قابل تعمیم به سایر روابط اجتماعی است (ماسن، ۱۳۷۵). اما کودکانی که در شبانه‌روزی‌ها و دور از خانواده زندگی می‌کنند از تمام این موهبت‌ها بی‌بهره‌اند.

جنبه‌های مختلف فقدان والدین

فقدان والدین دارای جنبه‌های مختلف است و نباید تنها جنبه‌های منفی آن را در نظر گرفت. با توجه به برخی تحقیقات و مشاهده زندگی افراد مختلف به نظر می‌رسد که عوامل مختلفی مثل مکانیسم‌های جبرانی^۱ که آدلر در نظریه‌اش بیان داشته، جانشین‌های والدین در زندگی فرد، مسائل اقتصادی - فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر می‌تواند از تأثیر محرومیت از والدین بکاهد. طبق بررسی آلبرت بسیاری از افراد شهیر و نابغه در تاریخ، محرومیت والدین را در کودکی تجربه کرده‌اند و نسبت کسانی که از پدر محروم بوده‌اند به کسانی که از مادر محروم بوده‌اند، ۲ به ۱ است. ظهور این گونه نوابغ در همه رشته‌های علمی اعم از هنر، علوم انسانی، علوم طبیعی و نظامی دیده شده است. این‌نستات (۱۹۷۸) با مطالعه زندگی نامه ۶۹۹ نفر از بزرگان به این نتیجه رسیده است که یتیمی و داغداری در کودکی، مشخصه بارزی از آنان بوده است. وود وارد (۱۹۷۴) نیز اشاره می‌کند

خیابانی برای اجتماع ایجاد می‌کنند، که در نهایت منجر به افزایش آسیب‌های اجتماعی و کاهش بهداشت روانی - اجتماعی می‌شود، لازم است در زمینه پیش‌گیری قدم‌هایی جدی برداشته شود. در همین راستا افراد مختلف جامعه، به ویژه دست‌اندرکاران امور فرهنگی، کلیه کارکنان مدارس، مشاوران و مددکاران کودکان و نوجوانان، باید اطلاعاتی درباره مسائل و مشکلات این کودکان داشته باشند. در این مقاله به اختصار مطالبی در این باره مطرح می‌شود.

اهمیت وجود خانواده برای کودک

میشل لمب (۱۹۸۲) می‌گوید که کیفیت (نه وسعت)، تعامل با نوزاد در گرو ارتباط توأم پدر و مادر با اوست. هم‌چنین نوزادان به هنگام اضطراب و هیجان، مادر را بر پدر ترجیح می‌دهند، لکن در شرایط عادی که هم پدر و هم مادر در کنار آن‌ها هستند، هیچ‌گونه ترجیحی قایل نمی‌شوند. او در پژوهشی نشان داد که خواهران و برادران در پرورش سایر فرزندان نیز نقش‌هایی دارند و الگوهایی برای تقلید فرزندان کوچک‌ترند. کودکان به هنگام کنش متقابل با خواهران و برادران الگوهای وفاداری، کمک کردن به یکدیگر، محافظت از هم در کنار اختلاف‌ها، تسلط‌جویی و رقابت‌ها را

پرست و بدسپرست

تک‌کرد کارکنان مدرسه در قبال آن‌ها



● بسیاری از افراد

شهیر

و نابغه در تاریخ،

محرومیت والدین را

در کودکی تجربه

کرده‌اند و نسبت

کسانی که از

پدر محروم بوده‌اند

به کسانی که از مادر

محروم بوده‌اند، ۲ به

۱ است.

که دو پنجم دانشمندان شهیر یکی از والدین خود را در دوره کودکی از دست داده‌اند (آدامز، ۱۳۷۹).

بکر (۱۹۷۴) مشاهده کرده است که افراد محروم از پدر، به طور معناداری خلاق‌تر از افراد واجد پدرند. مارتیندال (۱۹۷۲) در مورد شاعرانی که زندگی آن‌ها را بررسی کرده، به این نتیجه رسیده است که غیبت پدر با خلاقیت، احتمال بروز آسیب‌های روانی و هویت جنسی رابطه داشته است. کودکان محروم از پدر به طور کلی امور را به طریقی غیرمتعارف و انحرافی می‌نگرند، آن‌ها کم‌تر تابع آداب و رسوم‌اند و احتمالاً جنبه‌های ابداع و اختراع در آن‌ها بیش‌تر است، به ویژه اگر از نظر اقتصادی وضع مناسبی داشته باشند.

سن کودک هنگام گسیختن خانواده

(آدامز، ۱۳۷۹).

تأثیرات جدایی به مقدار زیادی وابسته به سنی است که نوزاد از والدینش جدا می‌شود. از یک نظر جدایی از مادر (پا والدین) قبل از ۶ ماهگی تأثیرات مخرب سنین بعد را ندارد. کودکانی که از والدینشان بعد از ۶ ماهگی جدا می‌شوند، معمولاً تا درجاتی وابستگی قوی به والدین خود پیدا کرده‌اند و این حالت آسیب‌زاتر خواهد بود (لفرانکویس، ۱۹۹۰).

از سوی دیگر از نظر «دوره حساس رشد»^۱ هر قدر سن جدایی نوزاد از خانواده (به عنوان یک محیط غنی) کم‌تر باشد، آسیب بیش‌تر است. دوران نوزادی یک دوره حساس در رشد است و اگر نوزاد در طی آن تجارب غنی و تحریکات حسی متنوعی نداشته باشد، دچار کمبود پایداری در برخی مسائل رشدی می‌شود. در واقع دوره حساس رشد، زمانی بهینه برای ایجاد توانایی‌های خاصی در نوزاد است که مرز آن تا حدود دو سالگی است. مسائل مربوط به دوره حساس

سال‌های اولیه کودکی خطرترین زمان ممکن برای از دست دادن یکی از والدین است. آنتونی و دیگران (۱۹۵۸) پیش‌بینی کرده‌اند که هر گاه جدایی والدین در اوایل کودکی روی دهد و مادر در حدود ۲ یا ۳ سالگی پسرش از دواج مجدد نماید، احتمال بزهکار شدن پسر بسیار بالا می‌رود. تیمون و همکارانش (۱۹۷۱) از این فرضیه جانب‌داری کرده‌اند که سال‌های اولیه یعنی از تولد تا ۶ سالگی، مهم‌ترین دوران شکل‌گیری شخصیت است. این نظر، با نظر گزل که معتقد است کودک در ۵ تا ۶ سالگی نسخه کوچک جوانی است که در آینده خواهد شد، همخوانی دارد.

گلوکس (۱۹۵۰) به این نکته دست یافت که خانواده‌های گسیخته نه تنها بزهکار پرورترند، بلکه به موازات آن که گسیختگی خانواده زودتر و در اوان کودکی رخ دهد، احتمال بزهکار پروری آن افزایش می‌یابد. عموم پژوهش‌ها حکایت از آن دارند که هر قدر شمار افراد خانواده کم‌تر باشد، احتمال ایجاد کودکان بزهکار در آن کم‌تر است



افزایش داشته، در عرض دو سال به نمره طبیعی یعنی حدود ۱۰۰ رسیده بودند. بر عکس، آن‌ها که دیرتر به فرزندخواندگی پذیرفته شدند، گرچه به سرعت در هوشبهر رشد داشتند، ولی هرگز نتوانستند به طور کامل عقب‌ماندگی اولیه را جبران کنند. این گروه ۸-۶ سال بعد از فرزندخواندگی، هوشبهری بالاتر از ۷۰ داشتند. دنیس چنین نتیجه‌گیری کرد که اصلاح و غنی‌سازی محیط تا قبل از دو سالگی برای جبران محرومیت‌های اولیه می‌تواند کارساز باشد (برک، ۱۹۹۱).

تحقیق مشابهی توسط اسکوداک^۲ و اسکیلز^۳ (۱۹۶۶، ۱۹۴۵) انجام شد. آن‌ها کودکانی را که در سن متوسط ۱۹ ماهگی به فرزندخواندگی پذیرفته شده بودند، در دراز مدت بررسی کردند. بعد از حدود دو سال فرزندخواندگی، عملکرد آن‌ها بهبود پیدا کرد و هوشبهر آنان به ۹۶ رسید. سپس زمانی که بزرگ‌تر شدند، نیمی از آن‌ها دوره دبیرستان را گذرانده بودند، چهار نفر دانشگاهی بودند و یک نفر درجه PHD از دانشگاهی معتبر داشت و همه آن‌ها مهارت‌های شغلی مناسب داشتند. از سوی دیگر گروهی که در پرورشگاه باقی ماندند، از نظر درسی و شغلی و تشکیل خانواده وضعیتی بسیار پایین و نامناسب داشتند (برک، ۱۹۹۱).

مشکلات مختلف کودکان بی سرپرست و

بدسرپرست

به طور کلی می‌توان گفت کودکانی که در خانواده تک‌والدی زندگی می‌کنند، کودکانی که به فرزندخواندگی دائم یا موقت پذیرفته شده‌اند، کودکان ساکن شبانه‌روزی، کودکان خیابانی و بی‌خانمان و کودکانی که در خانواده گسیخته و آسیب‌زا زندگی می‌کنند، دارای طیف وسیعی از مشکلات مشابه و متفاوت با یکدیگرند و به نظر می‌رسد کودکان خیابانی و کودکان شبانه‌روزی چون از زندگی با

• **آنتونی و دیگران**
پیشن‌بینی کرده‌اند
که هر گاه جدایی
والدین در اوایل
کودکی روی دهد و
مادر در حدود ۲ یا ۳
سالگی پسرش
از دواج مجدد نماید،
احتمال بزه‌کار
شدن پسر
بسیار بالا می‌رود.

رشد از دهه ۱۹۴۰ مطرح شد و جزو اولین تحقیقاتی که شاهدی بر وجود این دوره است، تحقیق دنیس (۱۹۵۷ و ۱۹۶۰) می‌باشد. طبق مشاهدات دنیس (به نقل از برک، ۱۹۹۱) کودکانی که در پرورشگاه‌های لبنان زندگی می‌کردند، بعد از یک سال در سیستم حرکتی و تکلم دچار عقب‌ماندگی می‌شدند. خیلی از آن‌ها تا یک سالگی نمی‌توانستند بنشینند و دیگران تا سن قبل از مدرسه به خوبی نمی‌توانستند راه بروند. هوشبهر متوسط آن‌ها بین ۱-۶ سالگی، ۵۳ بود. در سال ۱۹۵۶ در لبنان فرزندخواندگی قانونی شد و بچه‌های زیادی از پرورشگاه‌ها به منازل برده شدند. با مقایسه بچه‌هایی که به فرزندخواندگی پذیرفته شدند و زیر یک سال بودند، با آن‌ها که دیرتر فرزند خوانده شدند، این سؤال برای دنیس مطرح شد که آیا محیط غنی در سنین بالاتر می‌تواند جبران کننده کمبودهای اولیه باشد؟ یافته‌های دنیس نشان داد کودکانی که زیر یک سالگی به فرزندخواندگی پذیرفته شدند، بر عقب‌ماندگی اولیه خود غلبه پیدا کردند و حدود ۵۰ نمره هوشبهر

والدین محروم‌اند، مشکلات بیش‌تری دارند.

بسیاری از این کودکان به طور متناوب در خانواده‌های مختلف (بستگان، داوطلبان فرزندخواندگی) یا در شبانه‌روزی نگهداری می‌شوند. در این جا به اختصار به برخی مشکلات این کودکان اشاره می‌کنیم.

۱- فقدان احساس امنیت و تأمین نیازها

کودکان بدسرپرست، بی‌سرپرست و کودکان شبانه‌روزی دچار این مشکلات‌اند: جابه‌جایی‌های مکرر (از یک مرکز به مرکز دیگر، از یک خانه به خانه دیگر و از خانه

به شبانه‌روزی و بر عکس)، تغییر کارکنان شبانه‌روزی، تغییر سیاست‌های مرکز نگهداری که ممکن است زیر نظر سازمان بهزیستی یا زیر نظر هیأت امناء باشد و کمبود امکانات مختلف رفاهی و تفریحی. همه این موارد منجر به احساس بی‌ثباتی، عدم امنیت و عدم ارضای نیازهای مختلف می‌شود. بی‌ثباتی و عدم امنیت خود باعث بروز احساساتی مثل گناه، شرم و ادراک دنیا به عنوان جایی خطرناک می‌شود.

۲- کمبود اعتماد به نفس و خودپنداره

تحقیقات در مورد مقایسه میزان اعتماد به نفس و خودپنداره کودکان عادی و کودکان ساکن در مراکز شبانه‌روزی، نتایج مختلفی را نشان داده است، ولی در مجموع بیش‌تر آن‌ها بیانگر سطح پایین اعتماد به نفس و خودپنداره در کودکان شبانه‌روزی است. تحقیق بابایی و همکاران (۱۳۶۹) در مراکز

شبانه‌روزی استان تهران و تحقیق صوفی‌وندی (۱۳۷۵) در شبانه‌روزی استان کرمانشاه نشان می‌دهد فرزندان شبانه‌روزی‌ها دارای سطح اعتماد به نفس پایین، اعتماد به خود و دیگری ضعیف و خودپنداره ریش نیافته‌اند. در تحقیق مرتضوی (۱۳۷۲) مشخص شد که میزان اعتماد به نفس کودکان شبانه‌روزی با رفتن به کلاس‌های بالاتر کاهش می‌یابد، به نحوی که بین کودکان کلاس اول و دوم و کودکان کلاس چهارم، پنجم و اول راهنمایی، تفاوت معنادار وجود دارد.

۳- احساس فقدان حامی، عدم توانایی بیان

مشکلات با فرد مناسب و عدم مورد علاقه بودن کودکان بدسرپرست و تحت مراقبت به راحتی نمی‌توانند مسائل و مشکلات خود را برای فرد مطمئنی بیان کنند. بسیاری از مراکز شبانه‌روزی دچار کمبود کارمندان یا کارکنان فاقد مهارت‌های لازم می‌باشند و نمی‌توانند به نحو مناسب و جدی حرف‌های کودکان را بشنوند. کودکی در تماس با خط تلفنی کودک در انگلیس چنین گفت: «بچه‌ها دوست ندارند با مددکار تماس بگیرند چون او آن‌ها را به راحتی نمی‌بیند و بچه‌ها را جدی نمی‌گیرد؛ اصولاً بزرگ‌ترها برای بچه‌ها وقت ندارند» (CLS, ۱۹۹۷). هم‌چنین هر قدر سن کودک کم‌تر باشد، احتمال این که مشکل خود را برای مددکار یا فرد دیگر مطرح کند، بیش‌تر است. از سوی دیگر کودکان زیر ۱۴ سال که نزد خانواده‌های جایگزین مستقر بودند، اغلب احساس می‌کردند می‌توانند مشکلات خود را

● میزان اعتماد به نفس کودکان شبانه‌روزی با رفتن به کلاس‌های بالاتر کاهش می‌یابد، به نحوی که بین کودکان کلاس اول و دوم و کودکان کلاس چهارم، پنجم و اول راهنمایی، تفاوت معنادار وجود دارد.



به والدین رضاعی، به خصوص مادر، بگویند.

مورد دیگر که بسیار شایع است، این که کودک احساس می‌کند دیگران او را دوست ندارند و او دوست داشتنی نیست. حدود یک سوم از کودکانی که با مرکز خدمات تلفنی کودکان تحت مراقبت در لندن تماس گرفته بودند، دچار این احساس و تبعات آن از جمله به دوش کشیدن مشکلات بدون وجود حامی، بودند.

۴- احساس عدم مالکیت و عدم حریم شخصی

در بسیاری از مراکز مراقبت از کودکان بی سرپرست یا

خانه‌ها به علت مشکلات مالی و کمبود فضا یا مدیریت غلط، بی نظمی خاصی در محیط حکمفرماست. در این شرایط کودکان از وسایل و لوازم یکدیگر استفاده می‌کنند، کارهای مربوط به محل زندگی تقسیم نشده است، اگر وسیله‌ای خراب شود، کسی اقدامی نمی‌کند، نظافت رعایت نمی‌شود و محیط برای مطالعه و خلوت کردن مناسب نیست. «دانیل» این مشکل در شبانه‌روزی را چنین توصیف می‌کند: «زمان امتحانات نهایی برای دریافت دیپلم باید مطالعه زیادی انجام می‌دادم ولی نمی‌توانستم؛ چون همه عادت داشتند تا ساعت ۴-۵ صبح بیدار باشند. راهرو شلوغ و پر سر و صدا بود؛ مرتباً در اتاقم را می‌زدند و چیزهای مختلف می‌خواستند یا به اتاقم می‌آمدند که با من صحبت کنند. تنها چیزی که آن زمان آرزو می‌کردم آرامش، سکوت و تنهایی بود که به آن نرسیدم.»

۵- وجود خشونت در رفتارها و محیط

در مراکز مراقبت از کودکان بی سرپرست، رفتارهای خشونت‌آمیز کلامی و بدنی شیوع زیادی دارد. شلوغی این مراکز، سلیقه‌های متفاوت کودکان، کمبود امکانات، احساس محرومیت و... باعث این خشونت‌ها می‌شود. اکثر کودکانی که به خاطر خشونت با خط تلفنی کودکان تحت مراقبت اسکاتلند تماس گرفتند، مؤنث و به طور متوسط ۱۴ ساله بودند. اکثر آن‌ها کارکنان را در جریان مشکل خود گذاشته و نتیجه‌ای نگرفته بودند. یکی از آن‌ها می‌گفت: پس از مزاحمتی که یکی از نوجوانان برایم ایجاد کرده بود، ماجرا را

● کودک احساس می‌کند

دیگران او را دوست

ندارند. حدود یک سوم

از کودکانی که با مرکز

خدمات تلفنی کودکان

تحت مراقبت در لندن

تماس گرفته بودند،

دچار این احساس و

تبعات آن بودند.

برای یکی از کارکنان بازگو کردم و زخم‌های به جا مانده را نشان دادم، او به من گفت «خودت رالوس نکن».

۶- تصورات قالبی درباره کودکان

بی سرپرست و بدسرپرست

کودکانی که در شبانه‌روزی‌ها نگهداری می‌شوند و آن‌هایی که دارای ناپدری و نامادری‌اند دارای مشکلات و اختلالات احتمالی می‌باشند و این امر در کنار مطالبی که در خلال فیلم‌ها و داستان‌های جراید در سطح اجتماع گسترش می‌یابد، منجر به ایجاد یک تصور قالبی درباره این کودکان می‌شود. این تصورات در دراز مدت باعث می‌شود کودک به تدریج رفتارهایی بروز دهد که بعضاً تأیید کننده افکار قالبی موجود درباره اوست.



۷- واکنش‌های روان‌نژندانه^۹

تحقیقات مختلف نشان می‌دهد میزان رفتارهایی که در طبقه‌بندی کلی روان‌نژندی می‌گنجد و بخش عمده آن را افسردگی و اضطراب تشکیل می‌دهد، در بین کودکان ساکن در شبانه‌روزی‌ها بالاتر از کودکان عادی است. بررسی مرتضوی (۱۳۷۲) در مورد کودکان شبانه‌روزی و عادی کلاس اول ابتدایی تا اول راهنمایی، مشخص کرد با بالا رفتن کلاس درس، میزان اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و در مجموع واکنش‌های روان‌نژندانه افزایش می‌یابد و در سطح پنجم ابتدایی یا اول راهنمایی به حداکثر خود می‌رسد. دلیل

این امر می‌تواند بروز فشارهای متزاید محیطی - آموزشی روی کودک و آغاز تعارض‌های دوره بلوغ باشد. هم‌چنین در این تحقیق، کودکان مؤنث به طور معناداری اضطراب، افسردگی، ترس و پرخاشگری و در مجموع رفتارهای روان‌نژندانه قوی نسبت به پسران از خود بروز دادند. از سوی دیگر با افزایش مدت اقامت در شبانه‌روزی، واکنش‌های روان‌نژندانه در اثر مکانیسم‌های سازگاری، کاهش می‌یابد.

۸- همانندسازی والگوهای ناکافی در

مراکز نگه‌داری

کودکانی که در یک مرکز شبانه‌روزی با یکدیگر زندگی می‌کنند، به علت زندگی نکردن باوالدین از نظر همانندسازی و تقلید رفتارهای بهنجار دچار مشکلاتی می‌شوند، به نحوی که نقش والدین را افراد متغیر دیگر شامل مددکار، مربی و سایر کودکان بزرگ‌سال

ساکن در شبانه‌روزی بازی می‌کنند. این موضوع باعث ایجاد مشکلات متعدد در هویت مردانه یا زنانه کودک در آینده می‌شود.

۹- آزارهای جسمی - جنسی فراوان در شبانه‌روزی و

خانواده‌های جایگزین

خط تلفن کودک در انگلیس گزارش‌های ناراحت‌کننده زیادی درباره بدرفتاری جسمی و جنسی در شبانه‌روزی‌ها و خانواده‌های جایگزین دریافت می‌کند. بیست و چهار کودک که نزد خانواده‌های جایگزین به سر می‌برند (۱۵٪ تماس گیرندگان) اعلام کرده‌اند که مورد بدرفتاری جنسی و ۲۰ نفر (۱۲٪) مورد آزار بدنی قرار گرفته‌اند.

معلم خشنی که با امر

نهی و ایجاد خشونت

و تهدید کار خود را

پیش می‌برد یا در

دانش‌آموزان ایجاد

آب و حسادت افراطی

می‌کند، برای بچه‌های

شبانه‌روزی معلم مناسبی

نیست و بر مشکلات

آن‌ها می‌افزاید.

۱۰- مشکلات تحصیلی و مدرسه

لایرنیز (۱۹۹۷) در بررسی وضعیت تحصیلی کودکان مراکز شبانه‌روزی به این نتیجه رسید که با وجود یکسان بودن مدرسه کودکان عادی و شبانه‌روزی، این کودکان در کلاس درس و محیط مدرسه در انزوا قرار دارند، معلم با کودکان عادی بیش‌تر تعامل دارد و در کلاس درس به کودکان مراکز شبانه‌روزی برچسب شبانه‌روزی می‌زنند (آدامز ۱۳۶۹).

رایزن (۱۹۳۹) با مطالعه دانش‌آموزان دبیرستانی که محروم از یک یا هر دو والد بودند، به این نتیجه دست یافت که آن‌ها در مقایسه با هم‌کلاسی‌های خود رفتارهایی فراتر از سنشان نشان می‌دادند، شانس کم‌تری برای رهبری هم‌کلاسی‌ها داشتند و احتمال مراجعه



برای معلم و مربی کودکان و نوجوانان ساکن در مراکز مراقبت به طور خلاصه به شرح ذیل است:

۱- برخورداری از سلامت روان .
۲- دارا بودن صبر و انعطاف در برابر کودکان و نوجوانان .

۳- داشتن اطلاعات روان‌شناختی و تربیتی دربارهٔ مسایل مختلف کودکان، نوجوانان و احیاناً کودکان شبانه‌روزی.

۴- شوخ طبعی، محبت و توانایی برقراری ارتباط مناسب با کودک و نوجوان.

در مجموع باید بگوییم معلم یا مربی باید شخصیتی سالم و قوی داشته باشد به نحوی که کودک شبانه‌روزی بتواند او را الگو قرار دهد و با وی همانندسازی کند. معلمی که ویژگی‌های فوق را دارا باشد، می‌تواند صفات مثبتی چون مسئولیت‌پذیری، صداقت و غیره را در کودک و نوجوان ایجاد کند. معلم خشنی که با امر و نهی و ایجاد خشونت و تهدید کار خود را پیش می‌برد یا در دانش‌آموزان ایجاد رقابت و حسادت افراطی می‌کند، برای بچه‌های شبانه‌روزی معلم مناسبی نیست و بر مشکلات آن‌ها می‌افزاید.

گاهی پیش می‌آید که کودکان شبانه‌روزی از سوی سایر کودکان مورد مزاحمت و تمسخر قرار می‌گیرند و کلماتی ناشایست مثل بی‌والدین و غیره به آن‌ها گفته می‌شود. کارکنان مدرسه، به ویژه ناظم باید با دقت مراقب این حرکات و گفتارهای ناپسند دانش‌آموزان باشد. «اعظم» اکنون پس از

آن‌ها به مشاور مدرسه بیش‌تر بود. در تحقیق چاووشی‌فر (۱۳۷۹) مشخص شد میزان تنیدگی تحصیلی در نوجوانان عادی بیش‌تر از شبانه‌روزی‌هاست. علت این امر ممکن است ناشی از حساسیت زیادتر والدین به وضعیت تحصیلی فرزندانشان باشد - چیزی که در مورد کودکان شبانه‌روزی دیده نمی‌شود.

ویژگی‌های معلمان و مربیان کودکان و

نوجوانان ساکن در مراکز مراقبت

با توجه به ویژگی‌های کودکان مراکز مراقبت و

مشاور و مربی پرورشی

مدرسه باید برنامه

ویژه‌ای برای کودکان

شبانه‌روزی تنظیم کند

و با آموزش‌هایی که به

آن‌ها می‌دهند، باعث

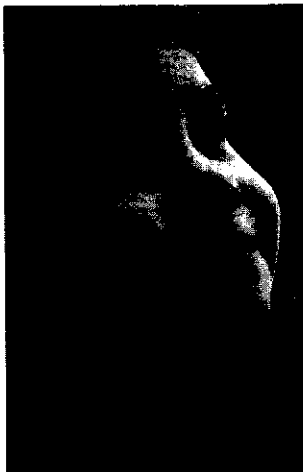
ایجاد آرامش و روحیه

سازگاری با مسایل

و مشکلات مختلف

زندگی شوند.

ظرافتی که کار با این کودکان می‌خواهد، هر معلم یا مربی ویژگی‌های لازم برای تعلیم این افراد را ندارد. از سوی دیگر اگر معلم و مربی کودکان عادی رفتار و برخورد نامناسبی با آن‌ها داشته باشند، این رفتار توسط والدین کودک تعدیل و تلطیف شده، صحبت‌های لازم با سرعت بیش‌تری نسبت به کودکان شبانه‌روزی، با کودک عادی و در صورت لزوم معلم وی انجام می‌شود. با عنایت به اهمیت این موضوع، مدیر هر مدرسه باید کودکان و نوجوانان شبانه‌روزی را که در مدرسه ثبت نام کرده‌اند، شناسایی کند و با مشورت مشاور و مربی پرورشی مدرسه، کلاس درس و معلمی را که با ویژگی‌های این کودکان و نوجوانان تناسب بیش‌تری دارد، انتخاب نماید. از سوی دیگر مربی پرورشی نیز باید برنامه ویژه‌ای برای وارد کردن این کودکان در برنامه‌های مختلف تربیتی مدرسه و ایجاد ارتباط مناسب با این کودکان داشته باشد. ویژگی‌های لازم





سال‌ها درباره مسائل زمان ورود به دوره ابتدایی چنین می‌گوید:

«زمانی که در شبانه‌روزی بودم و مدرسه می‌رفتم، من و بیش‌تر بچه‌های شبانه‌روزی همسن من تا مدت‌ها فقط معنای کلمات خواهر و برادر را می‌فهمیدیم و کلماتی مثل خاله، دایی، عمه و عمو که در مدرسه می‌شنیدیم برایمان نامفهوم بود. بعضی بچه‌های شرور در مدرسه به من حرف‌هایی می‌زدند که معنی آن‌ها را نمی‌فهمیدم مثل...».

وظایف کارکنان مدرسه در قبال فرزندان

شبانه‌روزی

به طور کلی وظایفی که کارکنان مدرسه در قبال کودکان شبانه‌روزی‌ها دارند، به شرح ذیل است:

۱- برقراری ارتباط مناسب و صمیمانه با کودک: کارکنان مدرسه باید در این مورد اهتمام زیادی داشته باشند، زیرا کودکان شبانه‌روزی اغلب احساس تنهایی و بی‌حمایتی می‌کنند و کارکنان شبانه‌روزی‌ها گرفتارتر از آن هستند که با آن‌ها صحبت کنند.

۲- تشویق به شرکت در بازی‌های ورزشی و فعالیت‌های پرورشی - تربیتی مدرسه.

۳- استعدادیابی کودکان و نوجوانان و سوق دادن آن‌ها به سوی زمینه‌های مورد علاقه‌شان.

۴- ایجاد احساس مسئولیت، پیروی از مقررات اجتماعی و ایجاد نظم.

۵- آموزش مهارت‌های اجتماعی:

مربی پرورشی و مشاور مدرسه درباره دوست‌یابی، برقراری ارتباط با افراد مختلف اعم از همسالان، اولیای مدرسه و افراد اجتماع، توانایی نه گفتن به پیش‌نهادهای مضر، آموزش‌های لازم را بدهند و تمهیداتی فراهم کنند که رفتارهای فرد به معیارها و هنجارهای زندگی افراد عادی نزدیک شود.

۶- آموزش مهارت‌های «کنار آمدن با تنیدگی روانی»: مشاور و مربی پرورشی مدرسه باید برنامه ویژه‌ای برای کودکان شبانه‌روزی تنظیم کنند و با آموزش‌هایی که به آن‌ها می‌دهند، باعث ایجاد آرامش و روحیه سازگاری با مسایل و مشکلات مختلف زندگی شوند.

۷- ایجاد موقعیت و جایگاه اجتماعی برای کودکان و

نوجوانان شبانه‌روزی در مدرسه: کارکنان مدرسه به فراخور وضعیت دانش‌آموز، مسئولیت‌های مختلفی را به این دانش‌آموزان بسپارند و آن‌ها را درگیر فعالیت‌های سازنده نمایند، به نحوی که وجهه مناسبی در بین همسالان پیدا کنند.

۸- بررسی معاشرت‌ها و دوستی‌ها: وجود ارتباطات و دوستی‌های مناسب می‌تواند کاربردی بسیار مفید برای آن‌ها داشته باشد. در دوستی فرزندان شبانه‌روزی با افراد طبقه اجتماعی-اقتصادی بالا، احتیاط شود، زیرا این امر منجر به مقایسه و احساس محرومیت و ناکامی می‌شود.

۹- کمک به رشد اخلاقی - مذهبی: همان‌طور که در بخش‌های قبل اشاره کردیم، کودکان شبانه‌روزی‌ها دارای ضعف‌های اساسی در همانندسازی با والدین می‌باشند و بعضی از آن‌ها از نظر شکل‌گیری فراخود دچار

● یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد و تقویت اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان به ویژه آن‌ها که کمرو بوده، تجارب ناموفق و آسیب‌زا دارند، افزایش فعالیت‌های موفق است.





اختلالی که وجود دارد، وضع متفاوت می‌شود؛ در بسیاری موارد می‌توان کار را به صورت توأم انجام داد.

برای رفع کمبود اعتماد به نفس جست و جو و فعالیت در دو حوزه زیر لازم است:

الف) بررسی استعدادها و علایق: مشاور و مربی پرورشی باید وضعیت استعداد و علایق کودک را مشخص نمایند؛ این که او از چه فعالیت‌هایی لذت می‌برد و چه کارهایی را می‌تواند به خوبی انجام دهد و غیره. برای بررسی این موارد و نیز وضعیت هوشی، می‌توان از آزمون‌ها نیز سود جست.

ب) بررسی هدف‌ها و ایده‌آل‌های کودک و نوجوان:

مشاور و مربی پرورشی باید به بررسی اهداف و ایده‌آل‌های فرد بپردازند. در این جا ممکن است ابهام و اختلال هویت مشخص شود. از سوی دیگر باید تفاوت بین خود واقعی و خود ایده آل فرد بررسی شود. برای انجام دقیق این مورد می‌توان از آزمون‌هایی مثل خودپنداره راجرز سود جست. مشاور، مربی پرورشی و معلم در مورد کودکان عادی به راحتی می‌توانند از طریق والدین اطلاعات تکمیلی مناسبی برای کار در دو محور بالا به دست آورند، ولی در مورد دانش‌آموزان ساکن در شبانه‌روزی این امر دشوار است و برای کسب اطلاعات بیش‌تر از وضعیت کودک، باید با مددکار او در شبانه‌روزی تماس گرفته شود.

۱۲- ایجاد تجربه‌های موفقیت‌آمیز: یکی از

مهم‌ترین عوامل ایجاد و تقویت اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان به ویژه آن‌ها که کم‌رو بوده، تجارب ناموفق و آسیب‌زا دارند، افزایش

مشکلاتی‌اند. برای جبران این ضعف هر یک از کارکنان مدرسه، به ویژه مربی پرورشی و مشاور، باید آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم مذهبی - اخلاقی را به آن‌ها ارائه کنند.

۱۰- ارائه الگوهای رفتاری مناسب توسط کارکنان مدرسه: به طور کلی انسان در هر موقعیت از زندگی خود نیاز به الگوی رفتاری دارد. علاوه بر پیامبر بزرگوار اسلام و معصومین که کامل‌ترین اسوه‌ها و الگوهای رفتاری برای همه انسان‌ها می‌باشند، انسان‌های رشد یافته در ابعاد گوناگون نیز می‌توانند الگو برای کودکان و نوجوانان قرار گیرند (افروز، ۱۳۸۰).

وجود الگوهای رفتاری، امید، تلاش و

اعتماد به نفس فرد را افزایش می‌دهد. آشنایی کودکان و نوجوانان با بعضی از همسالان خود یا اشخاصی که در زندگی به رغم سختی‌ها توانسته‌اند به موفقیت برسند، موجب الگوبرداری و تکمیل همانندسازی در فرزندان شبانه‌روزی می‌شود.

۱۱- ارزیابی و افزایش اعتماد به نفس در

فرزندان شبانه‌روزی: ارزیابی و شناسایی کودکانی که اعتماد به نفس و احترام به خود ضعیفی دارند، کار دشواری است، زیرا این حالات با مشکلات و اختلالات رفتاری و گفتاری در ارتباط است. کودکان شبانه‌روزی که مبتلا به شب‌اداری، پرخاشگری یا افت درسی‌اند، احتمال دارد دچار کمبود اعتماد به نفس هم باشند. سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که ابتدا کدام یک از این دو مورد اصلاح شود؛ اعتماد به نفس یا اختلال رفتاری؟ بسته به شرایط هر کودک و شدت

• هر چند فرشتگان
آسمانی پشتیبان کودکان
بی‌سرپرست و یتیم‌اند،
ولی به هر حال کارکنان
مدرسه باید رسیدگی
بیش‌تری به آن‌ها داشته
باشند تا جلوی آزارهای
احتمالی افراد مختلف
گرفته شود.





● اگر کودکان احساس نکنند که می‌توانند در مقابل بزرگسال آزاردهنده از خود دفاع کنند، فعالیت‌های دفاعی دیگر برای آن‌ها موفقیت‌آمیز نیست.

فعالیت‌های موفق است. برای این منظور لازم است آن‌ها در برنامه‌های مختلف آموزشی، پرورشی و ورزشی مدرسه شرکت کنند و با سعی و تلاشی که از خود نشان می‌دهند، به موفقیت‌هایی برسند. واقعیت آن است که فرزندان ساکن در شبانه‌روزی در گذشته خود شکست‌ها و محرومیت‌های زیادی را تجربه کرده‌اند، حال هر قدر در انجام فعالیت‌های مختلف با موفقیت بیشتری مواجه شوند، حس احترام به خود و اعتماد به نفس آن‌ها تقویت می‌شود. در این موارد، معلم و سایر کارکنان مدرسه باید با توجه به شرایط دانش‌آموز برنامه‌هایی (آموزشی و تربیتی) برای وی تنظیم کنند که در بیش‌تر موارد، آن‌ها بتوانند با تلاشی معقول موفق شوند، سپس مورد تشویق قرار گیرند. در این مسیر باید به نفس تلاش مستمر اهمیت زیادی داده شود و ارائه الگوهای مناسب نیز مورد نظر باشد.

خود دفاع کنند، فعالیت‌های دفاعی دیگر برای آن‌ها موفقیت‌آمیز نیست (C.L.S, ۱۹۹۷)؛ از این رو مربیان باید در مدرسه بر تقویت اعتماد به نفس کودک و این که او می‌تواند از خودش دفاع کند و در هنگام خطر از دیگران کمک بخواهد، تأکید نمایند.

۱۳- بررسی هرگونه آزاردیدگی جسمی - جنسی کودک در محیط شبانه‌روزی یا مدرسه: هر چند فرشتگان آسمانی پشتیبان کودکان بی‌سرپرست و یتیم‌اند، ولی به هر حال کارکنان مدرسه باید رسیدگی بیش‌تری به آن‌ها داشته باشند تا جلوی آزارهای احتمالی افراد مختلف گرفته شود. کارکنان مدرسه باید این احتمالات را در نظر داشته باشند که مددکار شبانه‌روزی در دسترس نیست، نزدیک شدن به مددکار برای صحبت‌های خصوصی مثل مطرح کردن مورد آزار قرار گرفتن کار دشواری برای کودکان کم سن است و این که کودک اعتماد کافی به کارکنان شبانه‌روزی ندارد؛ پس لازم است در مدرسه، مشاور و مربی پرورشی گوش به زنگ مسائل مربوط به هرگونه آزار این کودکان باشند.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- COMPENSATORY MECHANISM.
- 2- SENSITIVE PHASE OF DEVELOPMENT.
- 3- SKODAK.
- 4- SKEELS.
- 5- NEUROTIC.
- 6- COPING WITH STRESS
- 7- SUPER EGO .

پس از بررسی رویدادهای ناگوار و آزار دهنده کودکان این موضوع مشخص شده است که اگر کودکان احساس نکنند که می‌توانند در مقابل بزرگسال آزاردهنده از

● **مربیان باید در مدرسه بر تقویت اعتماد به نفس کودک و این که او می تواند از خودش دفاع کند و در هنگام خطر از دیگران کمک بخواهد، تأکید نمایند.**

علوم بهزیستی و توان بخشی.

- دفتر امور شبه خانواده (۱۳۷۹): مجموعه سخنرانی ها و مقالات اولین همایش علل مراقبت شبانه روزی از کودکان، یونیسف، دانشکده علوم بهزیستی و توان بخشی.

- ماری، مارکوس (۱۳۷۸): او فرزند کیست، اطلاعات هفتگی، ش ۲۸۹۹.

- چاووشی فر و همکاران (۱۳۷۹): بررسی مقایسه ای عوامل تنیدگی زا و شیوه های رویارویی در نوجوانان مراکز شبانه روزی و نوجوانان داری والدین، مجله روان شناسی، ش ۱۴، سال ۴.

- افروز، غلامعلی (۱۳۸۰): مباحثی در روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

- ماسن، پاول و همکاران (۱۳۷۸): رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، نشر مرکز.

- آدامز، و همکاران (۱۳۷۹): روان شناسی کودکان محروم از پدر، ترجمه خسرو باقری و محمد عطاران، چاپ دوم، مؤسسه منادی تربیت.

- موریس سلی، وتیلی، هلن، (۱۳۸۱): زمان گوش فرادادن، تحقیقی از خط تلفن کودک، ترجمه سام هدی، یونیسف، دفتر امور شبه خانواده.

- کلاین برگ، اتو (۱۹۵۴): روان شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان (۱۳۷۹)، نشر اندیشه.

منابع فارسی:

- مرتضوی، شهناز (۱۳۷۲): طرح تحقیقاتی بررسی شرایط روانی - رفتاری فرزندان خردسال شبانه روزی ها.

- صوفی ونندی، نادر (۱۳۷۵): اثرات کاربرد فنون ساختاری گروه درمانی در برخی از ویژگی های شخصیتی نوجوانان مراکز شبانه روزی بهزیستی استان کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد.

- سرمد، منصوره (۱۳۷۹): مقایسه خودپنداره دختران ۱۸- ۱۱ ساله عادی با دختران مقیم در شبانه روزی های تهران، پایان نامه کارشناسی.

- قوام زاده (۱۳۷۷): بررسی و مقایسه عزت نفس دختران پرورشگاهی و دختران عادی شمال شهر تهران، پایان نامه کارشناسی.

- بابایی، ناصر و همکاران (۱۳۶۹): نگرشی بر پدیده بی سرپرستی و مشکلات فرزندان دور از خانواده، انتشارات سازمان بهزیستی کشور.

- سپهر، حمید (۱۳۷۸): گزارش دوره مطالعاتی، دانشکده

- CHILD LINE SERVICE (1997) CHILDREN LIVING AWAY FROM HOME . LONDON.

- BERK, LAURA(1991) CHILD DEVELOPMENT. SECOND EDITION. ALLYN AND BACON.

- GUY, LE FRANCOIS(1990) THE LIFE SPAN. THIRD EDITION. WADSWORTH.